

گزارش

نگاهی به سرنوشت هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا در حمله به ایران: عرب‌ها در تله جنگ

بیش از یک ماه از آغاز رویارویی مستقیم ایران با نیروهای آمریکایی و اسرائیلی می‌گذرد. امارات، بحرین، عربستان و کویت هرکدام به نوعی، هزینه میزبانی از ماشین جنگی آمریکا را می‌پردازند. اما تفاوت راهبردی و شاید غافلگیرکننده برای این کشورها، ماهیت متفاوت اقتصاد ایران است. جمهوری اسلامی ایران طی سال‌ها تحریم، اقتصاد خود را مستقل و بومی‌سازی کرده است. ایران به شرکت‌های چندملیتی وابسته نیست، زنجیره تأمین داخلی دارد، صنعت دفاعی اش بومی است و از شوک‌های خارجی مصون‌تر است. اما کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس چنین نیستند؛ اقتصاد آنها بر پایه سرمایه‌گذاری خارجی، نیروی کار خارجی، فناوری وارداتی و امنیت خریداری‌شده از غرب بنا شده است. همین تفاوت بنیادین، جنگ کنونی را به فاجعه‌ای بی‌پازگشت برای آنها تبدیل کرده است. در این گزارش بررسی می‌شود که ادامه جنگ چه آسیب‌های ساختاری بر بیکره این کشورها وارد می‌کند و چرا برخلاف ایران، آنها توانایی تحمل یک درگیری طولانی‌مدت را ندارند.

تجربه کویت این بار در امارات

امارات امروز بیش از آنکه درگیر جنگ باشد، درگیر مدیریت یک «بحران ادراکی» است. اقتصاد تأمین داخلی دارد، صنعت دفاعی دومی و ابوظبی بر یک گزاره ساسده استوار بود: «ما امن‌ترین نقطه جهان هستیم». اما حملات اخیر ایران نشان داد که این گزاره، یک برند پوشالی بیش نبوده است. نفوذ پهلپاداها به حریم هوایی، آسیب به زیرساخت‌های حساس هوش مصنوعی و داده، تعلیق پروازهای بین‌المللی و جهش حق بیمه کشتی‌ها، پیامی روشن به سرمایه‌گذاران مخابره کرده است: «ثبات، دیگر مطلق نیست». سرمایه، ذاتاً ترسو است و به محض حس‌کردن بوی خطر ساختاری، مسیر خود را تغییر می‌دهد. هم‌اکنون شرکت‌های چندملیتی مخفیانه در حال بازبینی پروتکل‌های خروج خود هستند.

تاریخ درس تلخی برای برندهای پوشالی دارد. کویت پیش از سال ۱۹۹۰، هاب بی‌رقیب مالی منطقه بود، اما اشتغال نظامی نه ساختمان‌ها بلکه «اعتماد بازار» را ویران کرد و این کشور هرگز به جایگاه قبلی خود بازنگشت.

حالا ترک‌های این ویت‌ترین در امارات عیان شده است. تحلیلگران اقتصادی معتقدند امارات باید با موقعیت منحصربه‌فرد پیش از جنگ برای همیشه خداحافظی کند و دیگر شاهد ورود سرمایه‌گذاران خارجی به این کشور نخواهیم بود. امارات تازان میزبانی از نیروهای نظامی دشمن را می‌پردازد تا برای همیشه اقتدار و تسلط ایران در منطقه را به یاد داشته باشد.

ضربه‌های مهلک

در بی اقدام دشمن در هدف قراردادن زیرساخت‌های صنعتی ایران از مبدأ کشورهای حاشیه جنوبی خلیج همیشه فارس، نیروهای هوافضا و دریایی سپاه پاسداران در یک عملیات ترکیبی و هدفمند، دو صنعت وابسته به صنایع نظامی آمریکا را مورد اصابت قرار دادند: کارخانه آلومینیوم امال (EMAL) در امارات که کارخانه‌ای بود با طولانی‌ترین خط تولید آلومینیوم در جهان و ظرفیت ۱.۳ میلیون تن و نقش مؤثری در تولیدات صنایع نظامی آمریکا دارد و کارخانه آلومینیوم آلیا (ALBA) در بحرین که بسیار حائز اهمیت بود. این کارخانه نیز با سرمایه‌گذاری و سهامداری شرکت‌های آمریکایی، یکی از بزرگ‌ترین تأسیسات ذوب آلومینیوم در جهان محسوب می‌شود. بلافاصله پس از این حملات، روزنامه گاردین گزارش داد در نخستین روز بازگشایی بازارهای بین‌المللی، قیمت آلومینیوم در بورس لندن پنج درصد افزایش یافت. این جهش قیمت، نشانه‌ای از تأثیر عملیات ایران بر زنجیره تأمین جهانی است.

تندباد جنگ بر عربستان

عربستان سعودی، یکی از ستون‌های بازار انرژی نیز زیر فشار جنگ نفس می‌کشد. اختلال در صادرات نفت و توقف پروژه‌های کلان، رشد اقتصادی این کشور را به شدت پایین آورده است. براساس برآورد صندوق بین‌المللی پول (IMF)، رشد اقتصادی عربستان در سناریوی یک‌ماهه جنگ بین یک تا ۱.۵ درصد کاهش خواهد یافت.

صادرات روزانه نفت عربستان از ۹ میلیون بشکه به حدود سه میلیون بشکه سقوط کرده است؛ یعنی کاهش ۶۷درصدی. فقط در دو هفته نخست جنگ، ۴.۵ میلیارد دلار درآمد نفتی از دست رفته است. گردشگری، هوانوردی و سرمایه‌گذاری خارجی هم ضربه خورده‌اند. تحلیلگران معتقدند تصمیم ترامپ، رؤیای ۲۰۳۰ عربستان را به لرزه انداخته است. عربستان امروزی نه یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه قربانی تصمیمی شده که تبعاتش از مرزهای سیاسی فراتر رفته است.

کویت و بحرین: قربانیان بعدی

در میانه جنگ ایران و آمریکا، کویت به یکی از نخستین قربانیان تبدیل شده است؛ کشوری که تقریباً تمام صادرات نفتش (حدود ۲.۴ میلیون بشکه در روز) از تنگه هرمز می‌گذشت. حالا با توقف کامل صادرات، روزانه نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار زیان می‌بیند.

برآوردهای IMF از افت دو تا سه درصدی رشد اقتصادی کویت در یک ماه جنگ خبر می‌دهد. لغو پروازها، بسته‌شدن حریم هوایی و خروج سرمایه‌گذاران خارجی، این فشار را دوچندان کرده است. حتی صندوق ثروت ملی ۸۰۰ میلیارد دلاری کویت هم برای مه‌ان این توفان کافی نیست. بحرین نیز شرایط مشابهی داشته و به سختی تاب‌آوری خود را حفظ کرده است.

بنابراین اعراب امروز با پوست و گوشت خود می‌فهمند که ایران فقط یک نام روی نقشه نیست؛ ایران قدرتی است که معادلات منطقه را از ریشه تغییر می‌دهد. وقتی تهران وارد میدان می‌شود، همسایه‌ها تازه می‌فهمند با چه بازیگری طرف بوده‌اند.

اما فراتر از این، یک واقعیت بنیادین خودنمایی می‌کند: اقتصاد ایران مستقل است. سال‌ها تحریم، ایران را به سمت بومی‌سازی کامل سوق داده است؛ از قطعات صنعتی تا فناوری‌های پیشرفته نظامی. از تأمین انرژی داخلی تا زنجیره‌های تولید موازی. ایران نیازی به شرکت‌های چندملیتی ندارد و ادامه جنگ خللی در معیشت پایه‌ای مردم آن ایجاد نمی‌کند.

در مقابل، کشورهای عرب منطقه کاملاً وابسته هستند. اقتصاد آنها بدون سرمایه‌گذار خارجی، نیروی کار خارجی، فناوری وارداتی و امنیت خریداری‌شده، فلج می‌شود. هر روز ادامه جنگ برای آنها نه یک مسئله امنیتی بلکه مسئله بقاست.

از امارات و بحرین تا عربستان و کویت، همه تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند. اما مهم‌ترین پیام این تحولات، پایان یافتن عصر «امنیت مطلق» برای کشورهای میزبان نیروهای نظامی خارجی در منطقه است و شاید تلخ‌ترین حقیقت برای آنها این باشد که ایران می‌تواند سال‌ها صبر کند، اما اقتصاد وابسته آنها حتی ماه‌ها هم تاب نمی‌آورد.

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ پیامی خطاب به مردم ایران منتشر و سال جدید را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» نام‌گذاری کردند. متن کامل پیام نوروزی رهبر جمهوری اسلامی ایران به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
يا مقلبَ القلوب و الايصار يا مدبرَ الليل و النهار يا محوّلِ الحول و الاحوال، حوّلْ حالنا الي احسنِ الحال.

امسال بهار معنویت و بهار طبیعت یعنی عبد سعید فطر و عبد باستانی نوروز با یکدیگر تقارن پیدا کرده که این دو عید مذهبی و ملی را به یکایک آحاد ملت تریک می گویم و خصوصا عبد سعید فطر را نه همه مسلمین جهان تهنیت می گویم. همچنین لازم است به مناسبت پیروزی‌های چشمگیر رزمندگان اسلام به همگان تریک عرض کنم و به همه خانواده‌ها و بازماندگان شهدای والامقام جنگ تحمیلی دوم و کودتای دی‌ماه و جنگ تحمیلی سوم و شهدای امنیت و مرزبانی و سربازان گمنام شهید، مراتب تسلیت و همدردی خود را ابراز نمایم.

به مناسبت فرارسیدن سال شمسی ۱۴۰۵ عرضتی دارم که ذیلا مطرح می‌نمایم:

ابتدائا مروری مختصر بر بعضی وقایع مهم سال گذشته خواهم داشت. در سال گذشته مردم عزیز ما سه جنگ نظامی-امنیتی را تجربه کردند: جنگ اول، جنگ خردادماه بود که دشمن صهیونی با کمک خاص آمریکا و در بین مذاکرات، با تهاجمی ناجوانمردانه علیه بهترین سرداران و دانشمندان برجسته کشور و در ادامه حدود هزار نفر از هم‌وطنان ما را به شهادت رسانید. دشمن به خاطر اشتباه فاحش محاسباتی گمان می‌کرد که بعد از یک یا دو روز، این مردم خواهند بود که نظام اسلامی را سرنگون می‌سازند، ولی با هوشیاری شما مردم و رشادت‌های بی‌نظیر رزمندگان اسلام و فدائرای‌های فراوان، خیلی زود آثار بیچاری و مسکّت در ظاهر شد و با واسطه‌تراشی و اقدام به ترک مخاصمه، به‌نوعی خود را از لبه پرتگاه نجات داد. جنگ دوم، کودتای دی‌ماه بود که آمریکا و نظام صهیونی به تصور اینکه مردم ایران در اثر مشکلات اقتصادی تحمل‌شده، نظر دشمن را عملی می‌نمایند، با استفاده از مزدوران خود فوجایی بی‌شمارى را در عهد بیشتری از هم‌وطنان عزیزمان نسبت به جنگ سابق را به شهادت رسانیده و خساراتی فراوان وارد کردند. جنگ سوم، جنگی است که اکنون در میانه آن هستیم که در اوایل روز آن پدر مهربان امت، رهبر عظیم‌القدرمان اعلی الله مقامه الشریف را در حالی که با اشتیاق فراوان در رأس قافله‌ای از شهیدان در سفری آسمانی به سوی جایگاهی می‌شنافت که برایش در ساری رحمت الهی و قرب انوار طیبه و در عداد صدیقین و شهدا در نظر گرفته شده بود، با چشمانی اشک‌بار و قلوبی محزون و شکسته بدرقه کردیم، همچنین از همان روز به بعد به‌تدریج شهدای دیگر این جنگ ازجمله نوزدهان مدرسه شجره طیبه میناب و ستارگان دلیر و مظلوم ناوشکن دنا و فرماندهان و رزمندگان شهید سپاه و ارتش و فراجا و بسپج و سربازان گمنام و مرزبانان دلیر و سایر آحاد ملت از خردسال و بزرگسال هم که در کاروانی از جنس نور از مقابل ما عبور کردند را با حسرت فراوان بدرقه نمودیم. این جنگ، بعد از ناامیدی دشمن از حرکت مردمی چشمگیر به نفع خودش و با این توهم صورت گرفت که اگر رأس نظام و عده‌ای از مؤثرین نظامی را به شههادت برساند، در شما مردم عزیزمان ترس و یأس ایجاد کرده، موجب ترک عرصه از سویی شده و از این طریق رؤیای تسلط بر ایران و سپس تجزیه آن را تحقق خواهد بخشید، ولی شما در این ماه مبارک، صیام را با جهاد توأم کرده و خط دفاعی گسترده‌ای به وسعت کشور و سترگهائی مستحکم به تعداد میدان و محلات و مساجد آن فراهم کردید و این‌طور ضربه‌ای گیج‌کننده به او وارد و مساعدت؛ به طوری که به گفتن کلمات متناقض و پاره‌گویی‌های متعددی که علامت عدم هوشیاری و وجود ضعف ادراکی است، افتاد. شما قبلا در ۲۲ دی کودتا را سرکوب کردید و در ۲۲ بهمن بار دیگر ضدیت خود با استکبار جهانی و خستگی‌ناپذیری خود را نشان دادید و در ۲۲ اسفند که مصادف با روز قدس بود، با زدن این ضربه به او فهمانیدید که سرورکاش فقط با موشک و پهپاد و اژدر و امور نظامی نیست؛ خط مقدم ایران خیلی بزرگ‌تر از ذهنیت حقیر و کوچک اوست. بنده جا دارد در همین‌جا از تک‌تک مردم عزیز به خاطر خلق این حماسه عظیم تشکر کنم؛ همچنین از رئیس جمهور شجاع، صادق و مردمی و مسئولین دیگری که در این مراسم، بی‌الایش و تشریفات در بین مردم حاضر بودند، این قسم کار و نظاهر به آن فی‌نفسه می‌تواند امری بسیار مُستحسن باشد که انسجام بین ملت و حکمرانان را هرچه بیشتر قوت می‌بخشد. در حال حاضر در اثر وحدت عجیبی که بین شما هم‌وطنان با همه تفاوت خاستگاه‌های مذهبی، فکری، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده، در دشمن شکستگی به وجود آمده است،

در پیام نوروزی رهبری تأکید شد:

از حفظ وحدت ملی تا اعتقاد به روابط حسنه با کشورهای همسایه



این را باید نعمتی خاص از ناحیه حضرت حق جلّ و علا دانست و بسیار بر آن با زبان و در دل و هم در مقام عمل، شکر به جا آورد. یکی از قواعد تخلف‌ناپذیر این است که هرگاه نعمتی مورد شکر قرار گیرد، به تناسب مقدار شکر، ریشه‌اش استوارتر شده یا ارتقا می‌یابد و عنایات بیشتری روانه فرد شاکر می‌گردد. آنچه فعلا در مقام اقدام به شکر عملی لازم است، این است که ما این نعمت عظمی را صرفا رحمتی از ناحیه حضرت حق جلّ و علا بدانیم و در حد ممکن از آن خوب استفاده کنیم، این‌طور حتما این انسجام بیشتر و پیوادین‌تر شده و دشمنان‌تان خوار و خفیف‌تر خواهند شد. اینها مروری بود بر بعضی وقایع مهم سال ۱۴۰۴. اما حال که در آستانه سال ۱۴۰۵ قرار گرفته‌ایم، با چند چیز مواجه هستیم؛ یکی این است که میهمان عزیزمان ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ را برای همیشه وداع می‌گوئیم، ماهی که در لبه‌القدر آن دل‌هایتان متوجه عالم بالا شد و خداوند مهربان را صدا زدید و آن حضرت هم نظر مرحمت‌شان را متوجه شما کردند. شما از سرورمان عَجَل الله تعالی فرجه الشریف و خدایش، فتح و ظفر و عافیت و انواع نعم را خواستید و لابد با سابقه عنایتی که همیشه به این نظام و این ملت بوده، ان‌شاءالله با عین آنچه سؤال قلبی شما بوده یا بهتر از آن را دریافت خواهید کرد. هم‌زمان با این وداع که هرچه معرفت انسان‌ها بیشتر باشد، تلخ‌تر و اندوه‌بارتر خواهد بود، هلاک سعید و بُرئمن شوال‌المکرم را در آغوش گرم خود می‌فشاریم و با خوف و رجا منتظر عیدی حضرت حق تبارک و تعالی هستیم. امیدوارم پس از آن حضورهای وظیفه‌شناسانه‌شان و روزانه شما ملت عزیز و خلق حماسه‌س روز قدس، حق تعالی جز با کرم و حلم و عفو و لطف غمیم خود که ما و شما با آن خو گرفته‌ایم، با ما رفتار نفرمایند و به‌خصوص امیدواریم بزودی با بنشارت گن‌شایش کلی در امر ظهور عام سرورمان حضرت ولی الله الاعظم، قلب مبارک آن جناب را پر از سرور فرمایند که از قِبَل آن، انواع برکات بر اهل دنیا نازل خواهد شد.دینامی، بنده از دیدار پاکستان می‌دانستم که کشوری است که مورد علاقه خاص رهبر شهیدمان بود که نمونه‌اش در بغض گلوی ایشان در خطبه‌های نماز به خاطر سیل ویرانگری که جان مردم هم‌کش ما را در آنجا تهدید می‌کرد ظاهر شد، و بنده هم به دلایل مختلف همیشه همین‌طور فکر می‌کردم و از ابراز آن در جلسات مختلف خودداری نمی‌کردم. در همین‌جا می‌خواهم تقاضا کنم که دو کشور برادرم‌ان یعنی افغانستان و پاکستان باید برای رضای الهی و عدم شتقّ عمای مسلمان هم که شده روابط بهتری با هم برقرار سازند و بنده به سهم خود حاضر به اقدامات لازمه هستم. همچنین متذکر می‌شوم حملاتی که در ترکیه و عمان و نوداماد‌های ما به خانه بخت بروند و ان‌شاءالله دعای رهبر شهیدمان و سائر شهدای بزرگوار این جنگ، بدرقه راه این عزیزان باشد و توصیه می‌کنم که عموم مردم دیدوبازدیدهای معمول این ایام را البته با حفظ احترام به بازماندگان شهدا و رعایت حال ایشان داشته باشند؛ وای‌سا مردم هر محله‌ای در صورتی که هماهنگی لازم به عمل آید و ممکن شود، دیدارهای سال‌نو خود را با تکریم شهدای همان محل آغاز نمایند، البته مدتی که دولت محترم برای مصیبت شهادت رهبر عزیزمان مقرر کردند، به جای خود باقی است و رعایت و حفظ آن، ضلعی از عظمت این نظام و کشور تلقی می‌شود.

بعد از این کلمات عرض مختصر دیگری هست؛ اولاً باید از کسانی که در این روزها در کنار حضور در میدان و محلات و مساجد با تلاش مضاعف نقش اجتماعی خود را پررنگ‌تر می‌نمایند به‌طور خاص تشکر کنم، ازجمله بعضی واحدهائی تولیدی اعم از دولتی و خصوصی و ازجمله بعضی اصناف خدماتی و به‌خصوص افرادی که صرفا انواع خدمات مفید را بدون اینکه شغل‌شان اقتضا کند، به‌طور رایگان به مردم ارائه

می‌کنند و الحمدلله به وفور از این نوع وجود دارد. ثانیاً یک مسیر دشمن، عملیات رسانه‌ای اوست که در این ایام به‌طور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی در مردم قصد خدشه در وحدت ملی و بالطبع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و به دست خود ما این قصد شوم تحقق یابد، از این‌رو توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند، این است که از پرداختن به نقاط ضعف به‌طور جدی خودداری کنند، در غیر این صورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد.

ثالثاً یک روزنه امید دشمن، بهره‌گیری از ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی است که از دیرباز شکل گرفته است. رهبر شهیدمان اعلی الله مقامه در سال‌های مختلفی محور اصلی و شعار سال را متوجه امر اقتصاد کرده بودند، به نظر قاصر این حقیر هم تأمین معیشت مردم و ارتقای زیرساخت‌های زیستی و رفاهی و تولید ثروت برای عموم مردم نکته کانونی و نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی که دشمن به راه انداخته تلقی شود. از توفیقات بنده امکان شنیدن سخنان مردم عزیز از انواع طبقات اجتماعی بوده است. ازجمله در بازه‌ای زمانی، با هیئتی ناشناس با شما در تاکسی که به درخواست خودم تهیه شده بود، در خیابان‌های تهران هم، سفر می‌شدم و به سخن‌تان گوش فرا می‌دادم و این‌نوع نمونه‌گیری را از خیلی از نظرسنجی‌ها برتر می‌دانستم. برداشت بنده در خیلی موارد موافق کلمات شما که معمولا به شکل انتقادات مختلف مربوط به جهات اقتصادی و مدیریتی بیان می‌شد، بود، در این ضمن خیلی چیزها از شما فرا گرفتم، و همچنان به دنبال یادگیری‌های جدید هستم. ازجمله در همین ایام قبل و بعد از ۱۹ رمضان المبارک باز هم از افراد مختلفی از شما که در میداين حضور داشتید مواردی را آموختم. امیدوارم از این نعمت محروم نشوم. در بی این آموختم‌ها و شنیدن‌ها و سائر مطالعات، تلاشی به عمل آمده که نسخه علاجی کارساز و کارشناسی‌شده تدوین شود که تا حد ممکن جامع‌الاطراف بوده باشد که بحمدالله تا حد قابل قبولی این مطلب تحقق پیدا کرده و بزودی آماده عمل توسط مسئولین عالی‌همت با همکاری همه آحاد ملت خواهد بود. ان‌شاءالله تعالی، و در آخر این قسمت با تاسی به رهبر عظیم‌الشان شهید، شعار امسال را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام می‌دارم.

رابعا و آخراً آنچه بنده در بیانیه نخستین در مورد دیدگاه و سیاست نظام در باب مرابده با کشورهای همسایه ذکر کرده‌ام، امری جدی و واقعی است. ما جُدا از عنصر همسایگی، عناصر معنوی دیگری که در صدر همه اشتراک در تدین به دین مبین اسلام است و همچنین وجود شاهد مشرفه و اماکن مقدسه در بعضی از آن و حضور ایرانیان زیادی به‌عنوان ساکن و شاغل در بعضی دیگر و قومیت مشترک با هم‌زبانی یا منافع راهبردی مشترک به‌خصوص در مقابل جبهه استکبار در بعضی دیگر که هر یک به‌تهنایی در جای خود می‌تواند تحکیم‌کننده روابط حسنه باشد را سراغ داریم. ازجمله همسایگان شرقی خود را خیلی به خود نزدیک می‌دانیم. بنده از دیدار این دو کشور پاکستان می‌دانستم که کشوری است که مورد علاقه خاص رهبر شهیدمان بود که نمونه‌اش در بغض گلوی ایشان در خطبه‌های نماز به خاطر سیل ویرانگری که جان مردم هم‌کش ما را در آنجا تهدید می‌کرد ظاهر شد، و بنده هم به دلایل مختلف همیشه همین‌طور فکر می‌کردم و از ابراز آن در جلسات مختلف خودداری نمی‌کردم. در همین‌جا می‌خواهم تقاضا کنم که دو کشور برادرم‌ان یعنی افغانستان و پاکستان باید برای رضای الهی و عدم شتقّ عمای مسلمان هم که شده روابط بهتری با هم برقرار سازند و بنده به سهم خود حاضر به اقدامات لازمه هستم. همچنین متذکر می‌شوم حملاتی که در ترکیه و عمان و نوداماد‌های ما به خانه بخت بروند و ان‌شاءالله دعای رهبر شهیدمان و سائر شهدای بزرگوار این جنگ، بدرقه راه این عزیزان باشد و توصیه می‌کنم که عموم مردم دیدوبازدیدهای معمول این ایام را البته با حفظ احترام به بازماندگان شهدا و رعایت حال ایشان داشته باشند؛ وای‌سا مردم هر محله‌ای در صورتی که هماهنگی لازم به عمل آید و ممکن شود، دیدارهای سال‌نو خود را با تکریم شهدای همان محل آغاز نمایند، البته مدتی که دولت محترم برای مصیبت شهادت رهبر عزیزمان مقرر کردند، به جای خود باقی است و رعایت و حفظ آن، ضلعی از عظمت این نظام و کشور تلقی می‌شود.

بعد از این کلمات عرض مختصر دیگری هست؛ اولاً باید از کسانی که در این روزها در کنار حضور در میدان و محلات و مساجد با تلاش مضاعف نقش اجتماعی خود را پررنگ‌تر می‌نمایند به‌طور خاص تشکر کنم، ازجمله بعضی واحدهائی تولیدی اعم از دولتی و خصوصی و ازجمله بعضی اصناف خدماتی و به‌خصوص افرادی که صرفا انواع خدمات مفید را بدون اینکه شغل‌شان اقتضا کند، به‌طور رایگان به مردم ارائه

ترامپ در باتلاق جنگ

ممکن نیست. ایران با تبدیل‌کردن پایگاه‌های آمریکا در همسایگی به گروگان‌های استراتژیک خود و با اثبات توانایی در انهدام پیشرفته‌ترین جنگنده‌های جهان، معادله را تغییر داده است. از این پس، هرگونه مذاکره درباره تنگه هرمز نه از سر صفت، که از موضع برابری نظامی رقم خواهد خورد.

ترامپ ایران را همچون شیرِ بی‌بال و دم می‌خواهد

هرچند با همه این موفقیت‌ها به قول نصرت‌الله تاجیک، تحلیلگر مسائل سیاسی: «در حال حاضر استراتژی اصلی ترامپ این است که به هر شکلی که می‌تواند ایران را به زانو دریاورد. حتی به قیمت تجزیه ایران که قبلا گفته می‌شد چنین چیزی هدف ترامپ نیست، بلکه خواست اسرائیل است. به همین دلیل هم ترامپ، اکنون به دنبال استراتژی زمین سوخته است. او می‌گوید همه زیرساخت‌ها را می‌نم، اگر ایرانیان به زانو درآمدند که هیچ، اگر نه ویرانه‌ای بر جای می‌گذارم که بشود شیر بی‌بال و دم و اشکم!».

شرق روزانه

خبر

پزشکیان در پیام به مردم آمریکا: انتخاب میان تقابل و تعامل، آینده نسل‌ها را رقم می‌زند

رئیس جمهوری در پیامی به مردم آمریکا با تأکید بر اینکه جهان امروز در نقطه‌ای است که دوام مسیر تقابل، بیش از هر زمان دیگری پرهزینه و بی‌نتیجه است، تصریح کرد: انتخاب میان تقابل و تعامل، یک انتخاب واقعی و سرنوشت‌ساز است؛ انتخابی که پیامدهای آن، آینده نسل‌ها را رقم خواهد زد. او در بخشی از نامه خود نوشته است: ملت ایران هیچ دشمنی با ملت‌های دیگر، ازجمله مردم آمریکا، اروپا و همسایگان خود نداشته است. ایرانیان، حتی در مواجهه با مداخلات و فشارهای دولت‌های خارجی در طول تاریخ، همواره میان ملت‌ها و دولت‌ها تمایز قائل شده‌اند؛ این یک اصل ریشه‌دار در ذهن و فرهنگ این ملت است، نه یک موضع مقطعی. بر همین اساس، تصویرسازی از ایران به‌عنوان یک تهدید، نه با واقعیت تاریخی سازگار است و نه با واقعیت‌های عینی امروز. این تصویر، محصول نیازهای سیاسی و اقتصادی ساختارهای قدرت است؛ نیاز به دشمن‌سازی برای توجیه فشار، حفظ برتری نظامی، تغذیه صنایع تسلیحاتی و مدیریت بازارهای راهبردی. در چنین چارچوبی، اگر تهدیدی وجود نداشته باشد، ساخته می‌شود. پزشکیان ادامه داده است: در نتیجه همین تصویر، است که امروز بیشترین تمرکز نیروها، پایگاه‌ها و ظرفیت‌های نظامی ایالات متحده در پیرامون ایرانی شکل گرفته است که دست‌کم از ابتدای حیات ایالات متحده آغازگر هیچ جنگی نبوده است. تجاوزات اخیر آمریکا از مبدا این پایگاه‌ها، تهدیدآمیز بودن چنین حضوری را به اثبات رسانده و بدیهی است که هیچ کشوری در برابر چنین شرایطی، از تقویت توان دفاعی خود صرف‌نظر نخواهد کرد؛ آنچه ایران انجام داده و می‌دهد، حمله، جنگ و تجاوز. او همچنین نوشته است: روابط ایران و آمریکا بر پایه تقابل شکل نگرفته بود و ارتباط میان دو ملت، بدون خصومت و تنش بیش می‌رفت. نقطه عطف این مسیر، کودتای ۱۳۳۲ بود؛ مداخله‌ای که با هدف مقابله با ملی‌شدن منابع ایران صورت گرفت، روند دموکراسی را متوقف کرد، دیکتاتوری را بازگرداند و بی‌اعتمادی را در ذهن ایرانیان نسبت به سیاست‌های ایالات متحده شکل داد. این بی‌اعتمادی، با حمایت از حکومت پیش از انقلاب، پشتیبانی از صدام حسین در جنگ تحمیلی، اعمال طوفانی‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها و در نهایت، اقدامات نظامی مستقیم علیه ایران هر روز عمیق‌تر شده است. این وجود این فشارها، حوزه‌های تضعیف نشده، بلکه به اوزان‌های مختلف تقویت شده است: رشد چشمگیر و سه‌برابری سطح سواد (از ۳۰ درصد به ۹۰ درصد)، توسعه آموزش عالی، پیشرفت در فناوری‌های نوین، گسترش خدمات بهداشتی و تقویت چشم‌گستر و غیرقابل‌مقایسه زیرساخت‌ها، نشان‌دهنده ظرفیت درونی و توان سازگاری این کشور است. این واقعیت‌ها، مستقل از روایت‌های رسانه‌ای، قابل مشاهده و سنجش‌اند.

او در پایان آورده: من از شما دعوت می‌کنم به‌جای توجه به تبلیغات رسانه‌ای هدفمند که خود بخشی از جنگ است، به دوستان خود که به ایران آمده‌اند، به آمار ایرانیانی که پس از تحصیلات عالی در ایران در بهترین دانشگاه‌های جهان در حال تدریس

و تحقیق یا در مهم‌ترین شرکت‌ها در حال کار هستند نگاه کنید. آیا این واقعیات با آنچه رسانه از ایران به شما می‌گوید مطابقت دارد؟ جهان امروز در نقطه‌ای قرار دارد که تدابیر مسیر تقابل، بیش از هر زمان دیگری پرهزینه و بی‌نتیجه است. انتخاب میان تقابل و تعامل، یک انتخاب واقعی و سرنوشت‌ساز است؛ انتخابی که پیامدهای آن، آینده نسل‌ها را رقم خواهد زد. ایران در طول هزاران سال حیات پرافتخار خود متجاوزان بسیاری را دیده است؛ از آنها جز نام ننگی در تاریخ نمانده و ایران همچنان پرافتخار ایستاده است.